



دیدگاه امام خمینی(ره) در مفهوم قاعده «الخراج بالضمان»

مسئولیت مدنی دولت، به عنوان اندیشه‌ای نو در اکثر نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است.

چکیده

مسئولیت مدنی دولت، به عنوان اندیشه‌ای نو در اکثر نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است. مطالعه قوانین نشان می‌دهد که مسئولیت مدنی دولت به صورت جامع و نظام‌مند در حقوق ایران مطرح نشده و دولت در قوانین و مقررات پراکنده و خاص، مسئولیت برخی از اقدامات کارکنان خود را به عهده گرفته و تنها قانون کلی که این نوع مسئولیت در آن مطرح شده است، قانون مسئولیت مدنی می‌باشد که روح حاکم بر آن نیز موافق با قواعد مسئولیت مدنی در حقوق و اسباب ضمان در فقه نمی‌باشد و اصلاح قوانین موجود و تدوین قانون جدید محتاج تعیین مبنای مسئولیت مدنی دولت می‌باشد.

در این پژوهش با روش تحلیلی و توصیفی، ضمن تبیین نظرات فقها حول قاعده «الخراج بالضمان»، اثبات شده است که با پذیرش رویکرد متفاوت امام خمینی(ره)، این قاعده را می‌توان به عنوان مبنای مسئولیت مدنی دولت، مطرح کرد که این برداشت از قاعده با نظریه «تساوی شهروندان در تحمل هزینه‌های عمومی» مطابقت دارد.

واژگان کلیدی

خراج، ضمان، دولت، مسئولیت مدنی، قاعده فقهی

مقدمه

مسئولیت دولت پدیده جدیدی است؛ چراکه به اعتقاد پیشینیان، دولت را باید همه مقدس شمارند و اطاعتش را بر خود واجب بدانند. در برابر قدرت حکومت هیچ حق فردی وجود ندارد و تکلیف هر فرد است که وجود استقلال و قدرت دولتی را که تابع آن است، تأیید کند. فرض اختلاف بین حقوق و دولت و سیاست و اخلاق، در هیچ صورتی ممکن نیست. دولت نفع عموم را بر نفع فرد مقدم می‌دارد و می‌تواند اگر لازم شود، فرد را فدای کل کند؛ زیرا حمایت از سود عمومی، متضمن منفعت اجزای آن نیز هست... (کاتوزیان، 1376، ج 1، ص 53).

هر چند ابتدا یا عدم ابتدای مشروعیت حکومت‌ها و بر مقبولیت مردمی محل اختلاف است، (1) اما اینکه قدرت و تداوم حکومت‌ها نه به قدرت مادی آنها بلکه به حمایت مردمی بستگی دارد، امری قطعی است و چیزی به نام حکومت زور در اسلام نداریم (امام خامنه‌ای، 1367، ج 1، ص 33) و اگر یک ملتی پشتوانه حکومتی نباشد، این حکومت نمی‌تواند درست بشود، این نمی‌تواند برقرار باشد (امام خمینی، 1385، ج 11، ص 459). این حمایت هم ایجاد نمی‌شود مگر با رضایت عمومی از عملکرد دولتمردان که جبران خسارات ناشی از اقدامات دولت، جزئی از این عملکرد می‌باشد.

همچنین گستردگی فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و ... دولت باعث دخالت و تأثیر بیش از پیش اعمال دولت در زندگی مردم شده است؛ طوری که فعالیت‌های گسترده دولت و پیچیدگی نظامات سیاسی و تصمیمات حکومتی و ارتباطات روزافزون مردم با دستگاه‌های اداری و کارکنان دولتی، محیطی را فراهم ساخته است که احتمال ورود خسارت به مردم بیشتر شده است. بر این اساس به تدریج مسئولیت دولت و مؤسسات عمومی پذیرفته شد.

در نظام حقوقی ایران تا قبل از انقلاب مشروطه، اراده پادشاهان به عنوان قانون بر مردم تحمیل می‌شد و صاحبان قدرت هیچ نوع مسئولیتی را در قبال مردم پذیرا نبودند. با پیروزی انقلاب مشروطه و وضع قانون اساسی، اندیشه قانونی بودن دولت و مسئول بودن آن در برابر قوه مقننه مطرح گردید و این، تنها قدم اول یعنی مسئولیت سیاسی دولت بود (اصول 28، 29، 42 قانون اساسی مشروطه)؛ چه آنکه قانون اساسی و دیگر قوانین درباره مسئولیت

مدنی دولت ساکت بود و اشخاص نمی‌توانستند به یاری قوانین موجود از دولت شکایت کنند (قربان & zwnj; نیا، 1377، ش 1، ص 3) و مواد & laquo; اتلاف & raquo; (مواد 328 تا 334) و & laquo; تسبیب & raquo; (مواد 331 تا 335) قانون مدنی به سختی به زیان & zwnj; دیده امکان احقاق حق می‌& zwnj; داد. با تصویب & laquo; قانون مسئولیت مدنی & raquo; مورخ 1339/2/7، راه جبران خسارات توسط دولت، هر چند به صورت ناقص، در سیستم حقوقی ایران باز شد.

علی رغم تحولات صورت گرفته در خصوص مسئولیت مدنی دولت در نظام حقوقی ایران، با پذیرش نظریه & zwnj; سنتی تفکیک بین اعمال تصدی و حاکمیت (2) (قانون تعیین مرجع دعاوی بین افراد و دولت مصوب 1307 و ماده 1 قانون مسئولیت مدنی و ماده 135 قانون برنامه چهارم توسعه)، مسئولیت مدنی دولت در قبال اعمالش به طور محدود پذیرفته شده & zwnj; است (به طور مثال ماده 1 قانون مسئولیت مدنی، ماده 13 قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری و ماده 9 قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی). رویکرد نوین به مسئولیت مدنی دولت بر اساس اصل حمایت و صیانت از حقوق شهروندان در برابر قدرت عمومی و تسهیل جبران خسارت وارده به افراد در قرن حاضر شاهد ایجاد تحولات گسترده & zwnj; ای بوده & zwnj; است (Fairgrieve, 2003, p.123; Lee, 1998, p.142).

در این راستا & laquo; لایحه مسئولیت مدنی موسسات عمومی & raquo; توسط دولت وقت تنظیم و در تاریخ 1382/12/3 تقدیم مجلس شورای اسلامی شده & zwnj; است. در ماده & zwnj; ی 1 لایحه مذکور، بدون تفکیک بین اعمال تصدی و اعمال حاکمیت، مسئولیت مدنی مؤسسات عمومی در قبال زیان & zwnj; های ناشی از تقصیر کارکنان که حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن مرتکب می‌& zwnj; شوند، پذیرفته شده & zwnj; است. (3) حتی در مورد اعمال زیان بار عمدی کارمندان که در مقام انجام وظیفه می‌& zwnj; باشند، ماده 2 لایحه، مؤسسه را متضامناً مسئول جبران خسارت وارده قرار داده & zwnj; است (4).

در حقوق، تئوری & zwnj; ها و نظریه & zwnj; هایی چون & laquo; اصل تساوی شهروندان در تحمل هزینه & zwnj; های عمومی & raquo; (طباطبایی & zwnj; مؤتمنی، 1381، ص 418؛ غمامی، 1376، ص 49)، & laquo; اصل حمایت و تضمین حقوق بنیادین شهروندان & raquo; (انصاری، 1381، ص 15)، & laquo; مسئولیت غیر مبتنی بر تقصیر & raquo; (Gerven, 2000, p.385)، در راستای مبنای مسئولیت مدنی دولت بیان شده & zwnj; است و در این راستا تنها می‌& zwnj; توان به عمومات خصوص مسئولیت مدنی دولت مطرح نشده & zwnj; است و در این راستا تنها می‌& zwnj; توان به عمومات & laquo; اسباب ضمان & raquo; تمسک کرد. اما جایی که خسارت بدون تقصیر و ناشی از اجرای طرح & zwnj; های عمومی بوده یا اینکه اثبات تقصیر متعسر می‌& zwnj; باشد، کارآیی قواعد عام مسئولیت مدنی و اسباب ضمان، مناسب برای تدارک خسارات وارده بر شهروندان نخواهد بود.

بنابراین استخراج مبنایی مستقل برای مسئولیت مدنی دولت از متون فقهی، مهم می‌& zwnj; نماید. تحقیق حاضر بر آن است که با بررسی رویکرد امام خمینی (ره) در قاعده & laquo; الخراج بالضمن & raquo;؛ بدون پرداخت به حدود و ثغور مسئولیت مدنی دولت که خود پژوهشی مستقل می‌& zwnj; طلبد، صرفاً این قاعده فقهی را به عنوان مبنای مسئولیت مدنی دولت مطرح کند.

قاعده الخراج بالضمن

متن قاعده، حدیث نبوی است که در کتب حدیثی عامه به & zwnj; طور مشهور آمده & zwnj; است (ابی & zwnj; داود، بی & zwnj; تا، ج 3، ص 482؛ بیهقی، 1424ق، ج 5، ص 123)، ولی در کتب حدیثی شیعه با این عنوان و متن نیامده، مگر در کتاب & laquo; عوالی & raquo; & zwnj; اللئالی & raquo;؛ که ابن & zwnj; ابی & zwnj; جمهور به صورت مرسله این روایت را نقل کرده & zwnj; است (ابن & zwnj; ابی & zwnj; جمهور، 1403ق، ج 1، ص 57). همچنین در مواردی خاص، روایاتی هم معنا با متن کتاب & laquo; عوالی & raquo; & zwnj; اللئالی & raquo; وارد شده & zwnj; است (5) (حر عاملی، 1414ق، ج 12، ص 356).

& laquo; شیخ طوسی & raquo; در چند جا به این حدیث تمسک کرده & zwnj; است از جمله در مسأله 174 باب البیوع فرموده: & laquo; دلیلنا اجماع & zwnj; الفرقه & zwnj; و روت عائشه، ان النبی (صلی الله علیه و آله) قضی ان الخراج بالضمن... & raquo; (طوسی، 1377ق، ج 2، ص 47). & laquo; صاحب جواهر & raquo; نیز در مسأله & zwnj; چهارم از احکام خیار، ظاهراً & zwnj; به & zwnj; این حدیث تمسک کرده & zwnj; است (نجفی، 1367، ج 23، ص 81). & laquo; محقق اردبیلی & raquo; در & laquo; مجمع & zwnj; الفائده & raquo;؛ گویا به نحوی روایت را معتبر دانسته & zwnj; است (اردبیلی، 1402ق، ج 8، ص 516). شیخ & laquo; محمدحسین اصفهانی & raquo; در کتاب & laquo; حاشیه

راquo&المكاسب; zwnj& آورده; است: raquo&؛ و بالجمله المرسل معروف بين القدماء و قد استدل به الشيخ رحمه الله... raquo& (اصفهانی، 1418ق، ص87). شاید از این عبارت استفاده شود که ایشان zwnj& ضعف روایت را به معروف بودن بین قدما، منجبر دانسته zwnj& اند. raquo&؛ آیها لله سیدهادی میلانی raquo&؛ در این مورد فرموده zwnj& اند: raquo&؛ نسلم انجباره بعمل الفقهاء القدامی raquo&؛ (حسینی میلانی، 1388، ج2، ص58).

در پاره zwnj& ای از روایات نقل شده از اهل سنت، دلیل صدور حدیث بیان شده zwnj& است و آن اینکه مردی برده zwnj& ای خرید تا همیشه پیش خودش نگه دارد، پس از چندی در او عیبی یافت و نزد پیامبر(ص) به دادخواهی رفت و خواست او را به فروشنده پس دهد. فروشنده گفت: ای پیامبر خدا [خریدار] از غلام من کار کشیده است. آنگاه پیامبر فرمود: raquo&؛ الخراج بالضمان raquo&؛ (سیوطی، بی zwnj& تا، ص93)؛ یعنی در برابر ضمان خریدار، zwnj& سود و بهره zwnj& ای که او از رهگذر کار و خدمات غلام برده است، از آن خریدار است؛ زیرا همان zwnj& گونه که اگر آن در نزد خریدار نابود می zwnj& شد، او مسئول می zwnj& بود، منافعی هم که از آن به zwnj& دست آمده است به وی تعلق دارد.

مفردات قاعده

به zwnj& دلیل اختصار لفظ، این قاعده مفهوم مبهمی داشته و موجب اختلاف نظر میان فقها شده است. از این zwnj& رو برای تبیین مفهوم و منظور قاعده، نیاز به بررسی معانی کلمات قاعده می zwnj& باشد.

راquo&؛ الخراج raquo&؛ به معنای مالیات، منافع و محصول و ... آمده است. raquo&؛ این zwnj& منظور raquo&؛ می zwnj& نویسد: raquo&؛ هو شیء یُخرَجُه القوم فی السنه من مالهم بقَدَر معلوم raquo&؛؛ آن چیزی که در سال به میزان معلوم از اموال مردم اخذ می شود (ابن zwnj& منظور، 1412ق، ج4، ص54). raquo&؛ جوهری raquo&؛ در raquo&؛ الصحاح raquo&؛ آورده است: raquo&؛ قیل لما یخرج من الارض raquo&؛ (جوهری، 1399ق، ج1، ص309). همچنین به معنای مالیات اموال نیز آمده است؛ چنانکه raquo&؛ فیروزآبادی raquo&؛ می zwnj& نویسد: raquo&؛ الخرج الإتاوه كالخراج raquo&؛ (فیروزآبادی، 1412ق، ج1، ص390).

راquo&؛ راغب اصفهانی raquo&؛ خراج را به معنی مالیات بر زمین می داند: raquo&؛ الخراج مختص فی الغالب بالضریبه علی الأرض raquo&؛؛ خراج غالباً اختصاص به مالیات زمین دارد (راغب zwnj& اصفهانی، 1418ق، ص163) و نیز خراج به zwnj& معنای منافع آمده zwnj& است. پس خراج درخت، میوه آن و خراج حیوان، zwnj& پشم و شیر و بچه آن می zwnj& شود (البوزنو و الغزی، 1421ق، ج3، ص274).

راquo&؛ باء raquo&؛ از دیدگاه ابن منظور، سببیه است و متعلقش محذوف و تقدیر جمله raquo&؛ الخراج مستحق بالضمان ای بسببیه raquo&؛ می zwnj& باشد (ابن zwnj& منظور، 1412ق، ج4، ص54). raquo&؛ باء raquo&؛ همچنین به zwnj& معنای مقابله نیز آمده است (امام خمینی، 1421ق، ج1، ص470). بنابراین، اگر معنای سببیت مراد باشد، مفاد حدیث آن است که ضامن بودن، سبب تعلق منافع به ضامن است؛ یعنی چون ضامن عین است، پس خراج مال اوست و حق استیفا دارد. اما اگر معنای مقابله لحاظ شود، روایت بر این مفهوم دلالت دارد که منافع در مقابل ضمان است و اینکه شخص، هم ضامن عین باشد و هم ضامن خراج و منافع آن با هم قابل جمع نیستند. پس اگر ضامن عین بود، دیگر ضامن منافع نیست.

راquo&؛ ضمان raquo&؛ در لغت به معنای کفالت و التزام است: raquo&؛ صَمِنَ الشیء ... أی کَفَلَ به و صَمَّنَه إیَّاه أی کَفَّلَه raquo&؛ (ابن zwnj& منظور، 1412ق، ج8، ص89) و گفته شده است ضمان در این قاعده به معنای raquo&؛ مؤونه raquo&؛ مثل انفاق و مخارج و تحمل تلف و خسارت و نقص می zwnj& باشد (ابوزنو و الغزی، 1421ق، ج3، ص274).

دیدگاه فقها در مفهوم قاعده

باتوجه به معانی لغوی و مفردات قاعده، فقها برداشت zwnj& های مختلفی از این قاعده دارند که اجمالاً عمده نظرات بیان می zwnj& شود:

1. raquo&؛ آیها لله خوبی(ره) raquo&؛ معتقدند که مراد از کلمه zwnj& خراج، همان معنای معروف در باب خراج و مقاسمه است و منظور از کلمه ضمان، ضمان اراضی خراجیه به سبب تقبل و اجاره است (خوبی، 1371، ج3، ص291)؛

یعنی خراج ارض خراجیه بر حسب آن مقداری است که شخص عامل و متقیل ارض، ملتزم شده و به عهده گرفته است و والی هم پذیرفته است و از نظر کمی و زیادی بسته به الزام و التزام طرفین است.

2. این قاعده استناد کرده و بیان داشته است که مراد از خراج، منافع می باشد و مراد از ضمان، ضمان خاص است نه مطلق ضمان؛ یعنی ضمان مفید به قید اقدام؛ ضمانی که خود شخص بر آن اقدام کرده است و آن در معاملات است که بایع آن را تضمین می کند و او قبول ضمانت کرده و ضامن می شود؛ اما از این حیث اطلاق دارد که شارع مقدس این اقدام بر ضمان را امضا بکند (مانند عقد صحیح) یا امضا نکند (مانند معامله فاسد).

پس الخراج بالضمن؛ یعنی هرکس اقدام کرد و چیزی را ضامن شد و آن را برای خود تقبل کرد، خراج آن هم مال او خواهد بود. بنابراین در ما نحن فیه مشتری چنین اقدامی کرده و بایع او را تضمین کرده و او هم قبول ضمانت نموده که در برابر عین، چیزی بدهد و در عوض، استفاده از عین برای او مجانی باشد و لازمه این اقدام آن است که اگر معامله فاسد شد، خراج مال او باشد، کما اینکه ضمانت بر عهده اوست (ابن حمزه، بی تا، ص 255).

3. مراد از خراج، خصوص منافع مستوفات و منظور از ضمان، ضمان اختیاری ناشی از عقود صحیح می باشد و به تعبیر شیخ انصاری ضمان مورد نظر در این قاعده باید دو قید داشته باشد: الف) التزام الشیء علی نفسه و تقبله له (ضمان اختیاری)، ب) مع امضاء الشارع له (ضمان ناشی از عقود صحیح)؛ پس منافع مستوفات در عقود صحیح در مقابل ضمان عین به ضمان اختیاری می باشد. البته این نظر شامل عاریه مضمونه نمی شود چون در عاریه مضمونه، منافع، ملک مستعیر نمی شود و او صرفاً حق استیفا و انتفاع دارد (انصاری، 1410ق، ج 1، ص 290).

ضمناً این نوع برداشت از قاعده الخراج بالضمن؛ با روایاتی که در باب خیار شرط و عیب وارد شده است نیز مطابقت دارد به جز اینکه شمول این قاعده بیشتر بوده و شامل جمیع منافع مستوفات در مواردی که رد عین جایز است می شود (مکارم شیرازی، 1380، ج 2، ص 316).

4. محقق نائینی؛ با توجه به معنایی که برای الخراج بالضمن؛ در بحث معاطات ذکر کرده است (در صورت فسخ و یا انفساخ عقد بیع پس از تلف، هر یک از بایع و مشتری باید مثل و یا قیمت را بپردازد)، مفاد این قاعده را ضمان جعلی فعلی اصلی مورد تأیید شارع و منحصر به بیع دانسته است (نائینی، 1421ق، ج 1، ص 232)؛ زیرا با معنای سببیت باشد یا مقابله، مقتضی طرفینی بودن است؛ یعنی تملک منافع، داعی بر ضمان و ضمان هم سبب تملک منافع می باشد.

بنابراین، مفاد قاعده بیانگر آن است که هر یک از مشتری و بایع در مقابل یکدیگر نسبت به ثمن و مئمن ضامنند؛ زیرا از ثمن و مئمن بهره مند می باشند (همان، ص 293). همچنین به نظر میرزای نائینی قاعده الخراج بالضمن؛ شامل ضمان معاوضی هم می شود (همان، ص 233). البته از نظر حضرت امام (ره) این معنا برای ضمان و تفسیر فوق از مفاد قاعده مخدوش می باشد (امام خمینی، 1421ق، ج 1، ص 473).

دیدگاه امام خمینی (ره) در مفهوم قاعده

پیش از بیان نظر امام خمینی (ره) در مورد قاعده الخراج بالضمن؛ ذکر دو نکته ضروری به نظر می آید؛ نکته اول اینکه فقیه می باشد (همان، ص 293). همچنین به نظر میرزای نائینی قاعده الخراج بالضمن؛ شامل ضمان معاوضی هم می شود (همان، ص 233). البته از نظر حضرت امام (ره) این معنا برای ضمان و تفسیر فوق از مفاد قاعده مخدوش می باشد (امام خمینی، 1421ق، ج 1، ص 473).

هیچ گاه احتمالاتی جز آنچه قبلاً نقل شد و یا در کتاب و یا در مقاله و به آن اشاره و به آن اشاره اجمالی می شد، در ذهن فقیه نمی آید. اما اگر فرض شد که اسلام در چارچوب حکومت، مسائل فقهی را بیان می کند - همان طور که امام خمینی (ره) توجه داشته است -، در مورد قاعده

الخارج بالضمنان؛ احتمالاً مطرح می‌شود؛ که؛ ظاهرآ در کلام غیر ایشان مطرح نشده است (استادی، 1382، ص 17).

نکته دوم اینکه امام خمینی(ره) در شرح قاعده؛ لازم؛ نظر خودشان را با طرح مقدماتی بیان می‌کنند. ایشان در مقدمه اول می‌فرمایند حضرت رسول اکرم(ص) در پیش امت دارای شؤن و مقاماتی است: (1) مقام نبوت و رسالت، (2) مقام سلطنت و ریاست و سیاست، (3) مقام قضا و حکومت شرعی (امام خمینی، 1415ق، ص 105). در مقدمه دوم می‌فرمایند:

آنچه از حضرت رسول(ص) و امیرالمؤمنین(ع) به لفظ؛ قضی؛ یا؛ حکم؛ یا؛ و امثال اینها وارد شده است، از باب بیان حکم شرعی نیست و ظاهر از آن الفاظ این است که همگی ناظر به حکم حکومتی و سلطنتی ایشان می‌باشد و مؤید این معنا عدم ورود این الفاظ از سایر ائمه(ع) که فاقد زعامت و حکومتی بودند می‌باشد (همان، ص 107).

اگرچه با معیار فوق برخی از روایات حکومتی قابل تشخیص است، ولی چه بسیار روایاتی که بیانگر احکام حکومتی و قضایی؛ اند، اما با این واژه در متون روایی نیامده؛ اند، بلکه با تعبیری چون؛ فال؛ چون؛ است که در این موارد با توجه به قرائن حالی و مقامی، این قبیل احکام قابل تشخیص؛ اند (همان، ص 109).

بر اساس این دیدگاه از تعبیر؛ قضی؛ که قبل از قاعده؛ الخارج بالضمنان؛ آمده؛ استفاده می‌شود که این قاعده از احکام سلطانی و حکومتی است (امام خمینی، 1421ق، ج 4، ص 617). پس خراج، همان خراج متعارف در دولت؛ هاست (همان، ج 5، ص 457) که ولی مسلمین به صورت زکات، خمس، جزیه و ... می‌گیرد.

اخذ این خراج رایگان و ظالمانه نیست بلکه در قبال ضماناتی است که بر عهده؛ دولت می‌باشد و آن ضمانات و تعهدات، رفع حوائج و نیازمندی؛ های مسلمین و اداره امور عامه (همان، ج 4، ص 617 و ج 5، ص 457) و هر آن چیزی که بر حاکم جهت تأمین مصالح دولت اسلامی و حال مسلمین لازم است، می‌باشد (همان، ج 1، ص 318). به؛ نظر امام خمینی(ره) چنین برداشتی از مفهوم قاعده، اقرب به الفاظ قاعده است (همان، ج 4، ص 617).

بنابراین از نگاه امام خمینی(ره) این قاعده یک قاعده حکومتی بوده که در بردارنده تعهداتی است که حکومت در قبال اخذ مالیات به صورت؛ های مختلف از مردم، ملتزم به آنها می‌شود و حکومت موظف به ایفای تعهدات خود بوده و مردم می‌توانند انجام امورات تعهد شده از طرف حکومت را از حاکمیت مطالبه کنند؛ و آن الوالی موظف بذلک و الشعب مطالبون منه؛ (همان).

پی نوشت:

برای دیدن نظرات رجوع کنید به: امام خمینی، سیدروح؛ الله، البیع، ج 2؛ همو، ولایت فقیه؛ محمدتقی مصباح یزدی، مبانی نظری ولایت؛ فقیه؛ علی خالقی، مشروعیت قدرت از دیدگاه امام خمینی؛ صالحی نجف آبادی، نعمت؛ الله، ولایت فقیه حکومت صالحان؛ بازرگان، مهدی، خدا و آخرت، هدف بعثت انبیاء؛ حائری یزدی، مهدی، حکمت و حکومت؛ سروش، عبدالکریم،؛ فربه؛ تر از ایدئولوژی؛ مقاله حکومت دموکراتیک دینی؛ منتظری، حسینعلی، دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامی؛ همو، نظام الحکم فی الاسلام. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: انصاری، ولی؛ الله، کلیات حقوق اداری، ص 76-77؛ قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، ص 641؛ طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری، ص 392.

ماده 1 مقرر می‌دارد؛ کلیه وزارتخانه؛ سازمان؛ ها، مؤسسات و شرکت های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی، نیروهای مسلح و قوه قضائیه، کلیه دستگاه هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی نسبت به آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است و در این قانون مؤسسات عمومی خوانده می شوند، مسئول جبران خسارات مادی، معنوی و بدنی هستند که مستخدمان و کارکنان آنها در نتیجه بی؛ احتیاطی، بی؛ مهارت یا عدم رعایت غیر عمدی قوانین، مقررات یا نظامات مربوط، در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن به اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی وارد می‌آوردند؛.

ماده 2 مقرر می‌دارد؛ چنانچه مستخدمان و کارکنان مشمول ماده 1 این قانون بدون مجوز قانونی در حین انجام

وظیفه یا به مناسبت آن عمداً سبب خسارت به دیگری شوند، متضامناً با مؤسسه عمومی... مسئول جبران خسارت خواهند بود...»

ما رواه إسحاق بن عمار قال حدثني من سمع أبا عبدالله 7 و سأله رجل و انا عنده، فقال: رجل مسلم احتاج إلى بيع داره فجاء إلى أخيه فقال أبيعك داري هذه و تكون لك احب الی من ان تكون لغيرك علی ان تشتترط لی ان انا جئتک بئمنها إلى سنه ان ترد علی فقال: لا بأس بهذا ان جاء بئمنها إلى سنه ردها علیه، [قلت فانها كانت فيها غله كثيره فاخذ الغله لمن تكون الغله؟ فقال:] الغله للمشتري، ألا ترى انه لو احترقت لكنت من ماله» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج12، أبواب الخيار الباب 8، الحدیث 1).

ما رواه معاوية بن ميسره قال سمعت أبا الجارود يسأل أبا عبدالله 7 عن رجل باع دارا له من رجل، و كان بينه و بين الرجل الذي اشترى منه الدار حاضر فشرط انك ان اتيتني بمالي ما بين ثلاث سنين فالدار دارك، فاتی بماله، قال: «له شرطه، [قال أبو الجارود: فان ذلك الرجل قد أصاب في ذلك المال في ثلاث سنين قال:] هو ماله [و قال أبو عبدالله 7] ارايت لو ان الدار احترقت من مال من كانت؟ تكون الدار دار المشتري» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج12، أبواب الخيار الباب 8، الحدیث 3).

مراجع

منابع و مأخذ

1. آل بحر العلوم، سید محمد، بلغه الفقيه، ج1، قم: مکتبه الصادق، 1403ق.
2. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه، ج1، قم: مؤسسه سیدالشهدا، 1403ق.
3. ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد حلّی، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج3، قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1410ق.
4. ابن زنجی حمزه، محمد بن علی، الوسیله الی نیل الفضیله، تحقیق حسون محمد، قم: کتابخانه آیهاالله مرعشی نجفی، بی تا.
5. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج4 و8، بیروت: دار احیاء التراث العربی، 1412ق.
6. ابی داود، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، ج3، قاهره: دارالحدیث، بی تا.
7. اردبیلی، احمد، مجمع الفائده و البرهان فی شرح الارشاد الأذهان، ج8 و14، قم: جامعه المدرسین، 1402ق.
8. استادی، رضا، «الخراج بالضمان»، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، ش1، 1382.
9. اص&wz& ف&wz& ه&wz& ان&wz& ی&wz& ح&wz& م&wz& ح&wz& م&wz& د&wz& س&wz& ی&wz& ن&wz&، حاشیه&wz& المکاسب، محقق ع&wz& باس&wz& ح&wz& م&wz& ح&wz& مد&wz& آل&wz& س&wz& ب&wz& ع&wz& ال&wz& ق&wz& ط&wz& فی&wz& بی&wz& ج&wz&، 1418ق.
10. البوزنو، محمد صدقی بن احمد و الغزی، ابوالحارث، موسوعه القواعد الفقهیّه، بیروت: دار ابن حزم، 1421ق.
11. الجوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیّه، ج1، بیروت: دارالعلم، 1399ق.
12. امام خامنه&wz& ای، سیدعلی، «جمهوری اسلامی الگوی نهضت های جهانی»، حکومت در اسلام، (مجموعه مقالات سومین کنفرانس وحدت اسلامی)، تهران: امیرکبیر، 1367.
13. امام خمینی، سیدروح الله، البیع، ج1، 2، 4 و5، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1421ق.
14. -----، بدائع الدرر فی قاعده نفی الضرر، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1415ق.

15. -----، صحیفه امام، ج1، 8، 11، 15، 20 و 21، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1385.
16. -----، کشف‌الاسرار، بی‌زنج‌جا: بی‌زنج‌تا.
17. -----، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1379.
18. -----، الرسائل، قم: اسماعیلیان، 1385ق.
19. انصاری، باقر، مسئولیت مدنی مؤسسات عمومی (جزوه)، تهران: اداره کل پژوهش و اطلاع رسانی نهاد ریاست جمهوری، 1381.
20. انصاری، مرتضی، المکاسب، ج1، بیروت: مؤسسه النعمان، 1410ق.
21. انصاری، ولی‌زنج‌الله، کلیات حقوق اداری، تهران: نشر میزان، 1380.
22. ایزانلو، محسن و میرشکاری، عباس، بیت المال و نقش آن در جبران خسارت؛ ماهنامه کانون، ش117، 1390.
23. بادینی، حسن، هدف مسئولیت مدنی؛ مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران: دوره66، ش1، 1383.
24. باقری، احمد، مبانی فقهی و حقوقی مشروعیت ضمان دولت در پرداخت خسارت ناشی از کاهش ارزش پول؛ مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ش10، 1393.
25. بیهقی، ابوبکر أحمد بن الحسین بن علی، سنن کبری، ج5، بیروت: دار الکتب العلمیه، ج2، 1424ق.
26. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج12، قم: مؤسسه آل البیت، ج7، 1414ق.
27. حسینی مراغی، میرعبدالفتاح، العناوین، ج1 و 2، مؤسسه نشر اسلامی، 1425ق.
28. حسینی میلانی، محمد هادی، کتاب البیع، تقریر و شرح علی حسینی میلانی، ج2، قم: نشر الحقایق، 1388.
29. خوئی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، تقریر محمد علی توحیدی، قم: وجدانی، 1371.
30. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، معجم مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، 418ق.
31. سیستانی، سید علی، قاعده لا ضرر و لا ضرار، قم: مکتبه آیة الله سید السیستانی، 1372.
32. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، الاشباه و النظائر فی الفروع، بی‌جا: دارالفکر، بی‌تا.
33. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، مسالک‌الافهام الی تنقیح شرایع‌الاسلام، ج15، قم: مؤسسه معارف اسلامی، 1413ق.
34. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1413ق.
35. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری، تهران: سمت، 1381.
36. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر قرآن، ج1، قم: دارالمعرفه، 1408ق.

37. طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ج3، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‍تا.
38. -----، الخلاف، ج5، تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی، 1377ق.
39. -----، المبسوط فی فقه الامامیه، تصحیح محمدتقی کشفی، ج2و3، بی جا: المکتبه المرتضویه، 1387ق.
40. غمامی، مجید، مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال کارکنان خود، تهران: نشر دادگستر، 1376.
41. فیروزآبادی، مجدالدین محمدبن یعقوب، القاموس المحیط، ج1، بیروت: داراحیاء التراث العربی، 1412ق.
42. قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1370.
43. قربان‍نیا، ناصر، «مطالعه‍ای پیرامون مسئولیت مدنی دولت در فقه امامیه و حقوق موضوعه»، فصلنامه مفید، ش13، 1377.
44. کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، تهران: شرکت سهامی انتشار، 1376.
45. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج7، تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1407ق.
46. م‍ج‍ل‍س‍ی‍، م‍ح‍م‍د‍ب‍اق‍رب‍ن‍م‍ح‍م‍د‍ت‍ق‍ی‍، بح‍ار‍الان‍وار، ج11، تهران: عطارد، 1378.
47. -----، ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار، ج9، قم: کتابخانه آیةالله مرعشی نجفی، 1406ق.
48. مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، ج2، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب7، 1380.
49. نائینی، محمدحسین، منیه الطالب فی شرح مکاسب، ج1، قم: مؤسسه نشر اسلامی، 1421ق.
50. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج23و40، بیروت: دار احیاء التراث العربی، 1367.
51. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج1، بیروت: آل البيت، 1408ق.
52. Fairgrieve, Duncan State Liability in Tort: A Comparative Study, Oxfors: Oxfors University Press, 2003.
53. Lee, Jan. B., In Search of a Theory of State Liability In The European Union, USA, Harward Law School, 1998.
54. Gerven, walter van, Tort law: scope of protection, Hart Publishing, Oxford, 2000.
55. Horvitz, Jerome. S., Civil Liability in Tax Practice, USA, American Business Law Journal, 1986.

نویسنده:

اصغر زیرک باروقی: استادیار گروه فقه و حقوق دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

فصلنامه حکومت اسلامی شماره 80

ادامه دارد...